

آنها وجود ندارد. اطمینان از اینکه اجرای برنامه و هدایت آن درست صورت می‌گیرد و در صورت مشاهده انحراف، اقدام لازم برای تصحیح آن به عمل می‌آید، نیازمند فرآیندی است که آن را «نظارت و کنترل» می‌نامیم (جاسبی، ۱۳۷۱).

فلسفه وجودی نظارت، اصلاح و بهبود اوضاع است، نظارت به طور ساده، مقایسه بین هست‌ها و باید‌ها و نیز به‌کارگیری اقدامات اصلاحی پس از نظارت در جهت از بین بردن شکاف بین وضع موجود با وضع مطلوب است. طبیعی است اگر انسان بداند عملکرد او از راه‌های مختلف، مورد کنترل و در نهایت بازخواست قرار می‌گیرد، در انجام کارها، وظایف و مسئولیت‌های خود دقت بیشتری می‌کند (ضرغامی، ۱۳۹۴).

اندیشمندان مختلف، تعاریف متعدد و گوناگونی را برای کنترل و نظارت بیان کرده‌اند که البته روح کلی حاکم بر تمامی تعاریف را می‌توان مشترک در نظر گرفت ولی هر تعریف از ابعاد خاصی به بحث کنترل توجه می‌کند. در ادامه برخی از تعاریف به‌کاررفته برای کنترل، توسط نویسندگان مختلف بیان می‌شود:

✓ کنترل، فعالیتی است که ضمن آن عملیات پیش‌بینی شده با عملیات انجام شده مقایسه می‌شود و در صورت وجود اختلاف و انحراف بین آنچه باید باشد و آنچه هست، نسبت به رفع و اصلاح آنها اقدام می‌شود (سجادی، ۱۳۸۵). نظارت و کنترل عبارت است از ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها از زمان اجرای آنها و اقدامات لازم برای جلوگیری از انحراف عملیات نسبت به هدف‌های برنامه و اصلاح انحرافات احتمالی به‌وجودآمده (فروزنده، ۱۳۸۵).

✓ فرآیند تحت نظر قرارداد فعالیت‌ها، به منظور حصول اطمینان از این‌که آن‌ها همان‌گونه که برنامه‌ریزی شده‌اند، انجام می‌شوند و اصلاح انحرافات قابل ملاحظه و مهم (پیروز، خدمتی، شفیعی و بهشتی‌نژاد، ۱۳۹۲).

✓ استونر نظارت را چنین تعریف می‌کند: کنترل مدیریتی، فرآیندی است جهت حصول اطمینان از این‌که فعالیت‌های انجام‌شده با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده مطابقت دارد (طاهری، ۱۳۸۴).

✓ کنترل عبارت است از توجه به نتایج کار و پیگیری برای مقایسه